



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۵۷	تاریخ	۱۴۰۰/۱۱/۰۹
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				
عنوان دوم	شرائط وجوب تقصیر				
شرط اول	قطع مسافة				
شرط دوم	قصد مسافة				
شرط سوم	استمرار قصد				
شرط چهارم	سفر، سفر معصیت نباشد				
عنوان فرعی	روایات مجمله باب				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

بحث ما امروز در روایات سومی است که در ادامه بحث گذشته نیاز به توضیح دارد و از روایات مجمله باب است.

روایت سوم: روایت احمد بن محمد السیاری

«و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ الْعَسْكَرِ قَالَ: خَرَجَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام [امام هادی عليه السلام] أَنَّ صَاحِبَ الصَّيْدِ يَقْضُرُ مَا دَامَ عَلَى الْجَادَّةِ فَإِذَا عَدَلَ عَنِ الْجَادَّةِ أَتَمَّ فَإِذَا رَجَعَ إِلَيْهَا قَصَرَ؛ أَقُولُ: حَمَلَهُ الشَّيْخُ عَلَى مَنْ سَافَرَ بِغَيْرِ قَصْدٍ الصَّيْدِ ثُمَّ عَدَلَ عَنِ الطَّرِيقِ لِلصَّيْدِ»؛

«سیاری» که در اینجا گفته می شود همان «علی بن محمد بن سیار» است که از راویان تفسیر امام حسن عسکری عليه السلام است به هر حال روایت از لحاظ سندی تام نیست چون بعض من العسکر مجهول است لذا روایت مرسله است. در اینجا جای سؤال وجود دارد که مقصود چیست که: «أَنَّ صَاحِبَ الصَّيْدِ يَقْضُرُ مَا دَامَ عَلَى الْجَادَّةِ فَإِذَا عَدَلَ عَنِ الْجَادَّةِ أَتَمَّ فَإِذَا رَجَعَ إِلَيْهَا قَصَرَ»؟ مراد از «عَلَى الْجَادَّةِ» بودن چیست که اگر این حالتی باشد تقصیر باید بکند و نماز او قصر است و اگر از جاده عدول کند نماز او تمام خواهد بود و اگر عدول کرد و دوباره برگشت باز هم نماز او شکسته خواهد بود؟

توجیه تفصیل روایت توسط شیخ طوسی رحمته الله

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله به یک شکلی در استبصار این روایت را توجیه نموده اند:

«فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ الْعَسْكَرِ قَالَ خَرَجَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَنَّ صَاحِبَ الصَّيْدِ يَقْضُرُ مَا دَامَ عَلَى الْجَادَّةِ فَإِذَا عَدَلَ عَنِ الْجَادَّةِ أَتَمَّ فَإِذَا رَجَعَ إِلَيْهَا قَصَرَ. فَهَذَا خَبَرٌ ضَعِيفٌ وَرَوَاهُ السَّيَّارِيُّ

وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ بْنُ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي فَهْرِ سِتِّهِ حِينَ ذَكَرَ كِتَابَ النَّوَادِرِ اسْتَشْنَى مِنْهُ مَا رَوَاهُ السَّيَّارِيُّ وَقَالَ لَا أَعْمَلُ بِهِ وَلَا أَقْتِي بِهِ لِضَعْفِهِ وَمَا هَذَا حُكْمُهُ لَا يُعْتَرَضُ بِهِ الْأَخْبَارُ الَّتِي قَدَّمْنَاهَا وَلَوْ سَلِمَ لَجَازَ أَنْ يَكُونَ الْوَجْهُ فِيهِ أَنَّ مَنْ كَانَ عَلَى الْجَادَةِ لَا لِقَصْدِ الصَّيْدِ يَلْزِمُهُ التَّقْصِيرُ فَإِذَا عَدَلَ عَنْهَا إِلَى الصَّيْدِ يَلْزِمُهُ التَّمَامُ؛

ایشان می فرمایند که اگر از اول که در جاده رفت قصد صید داشت اگر قصد صید او لهوری بود يجب عليه التمام اما اگر صید للقت بود لا يجب عليه التمام.

اشکال اول بر دیدگاه شیخ طوسی رحمته الله

اما بر این حمل شیخ ما اشکال داریم؛ از این جهت که حمل تکلفی است؛ زیرا اولاً موضوع روایت صاحب الصید است که می گوید: «أَنَّ صَاحِبَ الصَّيْدِ يَقْصُرُ مَا دَامَ» اینکه می فرمایید که اگر قصد او صید است لا يقصر و اذا كان قصده لم يكن قصد الصيد يقصر؛ این گفتار شما خلاف مفروض روایت است زیرا روایت درباره صاحب الصید است و اینکه اینگونه تفسیر نمایید، این خارج از فرض روایت است.

اشکال دوم بر دیدگاه شیخ طوسی رحمته الله

درباره بخش دوم روایت: [فَإِذَا عَدَلَ عَنِ الْجَادَةِ أَتَمَّ فَإِذَا رَجَعَ إِلَيْهَا قَصَرَ] ایشان فرموده اند که:

«وَلَوْ كَانَ وَقَّتْ كَوْنُهُ عَلَى الْجَادَةِ قَصْدُهُ الصَّيْدَ لَمَا اخْتَلَفَ الْحَالُ فِي وَجوبِ التَّمَامِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ صَيْدُهُ لَهْوًا وَالتَّقْصِيرِ إِنْ كَانَ صَيْدُهُ طَلَبًا لِلْقُوتِ»؛

در روایت تفصیلی آمده که ایشان اینگونه تفصیل را حمل می کنند که اگر لهوری بود يجب عليه التمام و اگر صید او صید طلب قوت بود يقصر.

می گوئیم تفصیل شما با تفصیلی که در روایت آمده متفاوت است زیرا تفصیلی که در روایت آمده بین «من في الجادة» و «من ليس في الجادة» است و نه بین «من يكون قصده صيد اللهوى» و بین «من يكون قصده صيد غير اللهوى» و در روایت این تفصیل نیامده است و تفصیل موجود در روایت تفصیل من حیث اخری است.

باید وجه حملی که می آورید و وجه تفسیری که می آورید طوری باشد که با تفصیلی که در روایت آمده سازگار باشد و آن تفصیلی که در روایت آمده با آنچه شما می گوئید سازگار نیست.

بنابراین باید یک تفسیری آورد که با تفصیل موجود در روایت هماهنگ و سازگار باشد.

دو وجه در تفصیل روایت توسط استاد

ما دو وجه در تفسیر تفصیل موجود در روایت احتمال می دهیم:

تفسیر اول:

اینکه مراد از جاده طریق عامی است که ليس من المعتاد که در صید لهوری از آن طریق بروند و راه متعارف است که همه از آن راه می روند و معمولاً برای صید لهوری از جاده دیگری می روند و کسی که به صید لهوری می رود از صحرا و دشت و... می روند. و لذا مراد از جاده سفر کسی است که سفر او سفر لهوری نباشد و کنایه از سفر مشروع است و غیر لهوری است

ولو صید باشد پس: کسی که سفر می رود حتی مع قصد الصيد اما لهوی نیست این شخص مادامی که قصد صید لهوی ندارد یقصر اما اگر قصد صید لهوی عارض شد بر او یتیم اما اگر باز هم قصد او عوض شد و به غیر صید لهوی مایل شد باز هم یقصر؛ لذا این عبارت «مَا دَامَ عَلَى الْجَادَّةِ» کسی است که لایقصد صید لهوی را؛ به عبارت دیگر کنایه از مسیر حق است زیرا معتاد من الصيد للهوی خروج از جاده است.

تفسیر دوم:

این است که مقصود از «الْجَادَّةِ» کلاً طاعت الله باشد یعنی راه مستقیم و راه درست و این هم وجه معقولی است در حمل روایت اینکه می فرماید که صاحب الصيد ان كان على الجادة یعنی طریق المستقیم و راه راست و درست؛ بنابراین صاحب الصيد اگر سفرش سفر صید مشروع باشد يجب عليه التقصير اما اگر از قصد صید مشروع عدول نمود و تجاوز کرد فعليه التمام اما اگر از قصد صید لهوی برگشت به صید قوت لیومه و یا کلاً از صید برگشت در این صورت يجب عليه التقصير.

به هر حال اگر هم بخواهیم روایت را بپذیریم باید به یکی از این دو وجه حمل نماییم که یا کنایه از صید لهوی نبودن است و یا کنایه از صید مشروع بودن است و این دو وجهی است که ما معتقدیم به یکی از دو وجه می توان این روایت را تفسیر نمود.

ما تاکنون درباره روایات وارده درباره سفر معصیت بحث نمودیم و از مجموع روایات استفاده نمودیم که سفر معصیت یمنع از وجوب تقصیر و کسی که سفرش معصیت باشد وجوب تقصیر ندارد و يجب عليه التمام. اما مطلب دوم از مباحث ما این است که سفر معصیتی که مانع از وجوب تقصیر می شود آیا مطلق سفر المعصية است یا در خصوص سفری است که لغایة محرمة باشد؟ که در مباحث آینده به این مطلب خواهیم پرداخت.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ